گالری

نمایشگاه نقاشی یک ایرانی در آمستردام

نمایشگاه نقاشی «لاجورد» از نگین کیانفر از جمعه ۱۳ شهریورماه در گالری «دوست» در آمستردام برپا شده است.

نگین کیانفر - گوینده، نویسنده و کارگردان سینمای مستند - سال‌هاست به عنوان نقاش فعالیت می‌کند. او مستندهای «یک روز نو»، «روز تولد»، «۱۰ ساعت - ۹۹ سال» و «حوا و آدم» را کارگردانی کرده است. در بیانیه نمایشگاه درباره نمایشگاه «لاجورد» نوشته شده است: این مجموعه سفری است الهام‌گرفته از ظروف سرامیک و چینی نقاشی‌شده در قالیچه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون. سفر با فرم‌هایی آغاز می‌شود که مرا به خود خواندند ـ اشیایی که گرد می‌آورم، به آنها می‌نگرم و خطوط و انحنائهایشان را می‌پالم. با این حال، سرآغاز نقاشی نه از خود اشیاء بلکه از پاره‌های پراکنده‌ای است که نشانه‌هایی از ادراک، حافظه و حالت درونی را در خود حفظ کرده‌اند. بیان‌گری اشیاء هدف این آثار نیست؛ هدف اصلی، کاوش در مواجهه بین منظر و نظاره، بین شیء و نگاه است. گویی هر فرم در پی جلب توجه است و اصرار دارد حضور خود را به رخ بکشد. این آثار واجد نوعی خودآگاهی هستند و آن را با ظرافت انتقال می‌دهند. خودآگاهی نه در جایگاه اجسامی خاموش در معرض نوری تصادفی، بلکه چون حضوری که از دیده‌شدن خویش آگاه است. از منظری دیگر، ذهن هنرمند اشیاء را از فرایند بازآفرینی، تلفیق و تقلیل گذر داده و بدین شیوه دیگر بار آن را تختیل کرده و پرسش‌هایی در باره‌ی حافظه‌ی فرهنگی برانگیخته‌است. برخی به‌صورت روبه‌رو و با ابعادی بزرگ ظاهر می‌شوند. در ادامه، با حذف سایه‌ها، برخی اجسام وزن خود را از دست می‌دهند و در زمان معلق می‌مانند، در فضایی که هم محدود است و هم نامتناهی می‌نماید. برخی اشیا تهی به نظر می‌رسند و برخی پُر، اما وضعیت آن‌ها همچنان نامعین باقی می‌ماند. در این بازی میان زمان و فضا، تشخیص ماهیت تهی‌بودن دشوار می‌شود. چه کسی می‌تواند با اطمینان از خلأ سخن بگوید یا بگوید پُری واقعی تا چه اندازه پُر است؟

نمایشگاه «لاجورد» از ۱۳ شهریورماه آغاز شده و تا دهم مهرماه پیش رو، ادامه دارد.

خبر

آغاز ثبت‌نام اصحاب رسانه برای حضور در جشنواره فیلم کوتاه

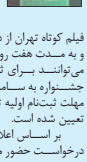

ثبت‌نام اولیه اصحاب رسانه و منتقدان سینما برای حضور در چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از امروز آغاز می‌شود. به نقل از روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، ثبت‌نام اولیه اصحاب رسانه و منتقدان سینما برای حضور در چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از دوشنبه ۱۶ شهریور آغاز می‌شود و به مدت هفت روز ادامه خواهد داشت. متقاضیان می‌توانند برای ثبت درخواست حضور در خانه جشنواره به سامانه portal.tisff.ir مراجعه کنند. مهلت ثبت‌نام اولیه تا پایان روز دوشنبه ۲۳ شهریور تعیین شده است.

بر اساس اعلام جشنواره، در این مرحله صرفا درخواست حضور متقاضیان ثبت می‌شود و تأییدیه ثبت‌نام و صدور کارت پس از بررسی درخواست‌ها، به متقاضیان اطلاع داده خواهد شد. چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از ۲۵ تا ۳۰ مهر در پردیس سینمایی ملت برگزار خواهد شد.

پرده نقره ای

نمایش ۵ فیلم سینمایی در موزه سینما

در آستانه روز ملی سینما، فیلم های اصلاح و مرمت شده «ستارخان»، «تنگسیر»، «هامون»، «ای ایران» و «پرده آخر» در موزه سینمای ایران به رفت. به این ترتیب سه شنبه ۱۷ شهریور «ای ایران» به کارگردانی ناصر تقوایی؛ چهارشنبه ۱۸ شهریور «تنگسیر» به کارگردانی امیر نادری؛ پنجشنبه ۱۹ شهریور «ستارخان» به کارگردانی علی حاتمی؛ جمعه ۲۰ شهریور «هامون» به کارگردانی داریوش مهرجویی و شنبه ۲۱ شهریور «پرده آخر» به کارگردانی واروژ کریم مسیحی نمایش داده خواهد شد.

آنچه که به امکانات فیزیکی، توانایی های فکری، ابزار و تجهیزات موجود و اندیشه و کار کارشناسان و متخصصان حوزه مرمت آنالوگ بستگی داشته، با حد اعلای تلاش به کار گرفته شده است تا گنجینه با ارزش اسناد و آثار تصویری ملی در بهترین شرایط قابل تحقق حفظ و نگهداری شوند و عمر طولانی‌تری پیدا کنند. اما باید به این نکته مهم توجه کرد که نوارهای سلولویید (فیلم ۱۶ و ۳۵ و... و انواع نوارهای صدا) به دلیل ساختار شیمیایی‌شان دیر یا زود و در گذر لاجرم زمان روند نابودی را طی خواهند کرد. خوشبختانه فناوری دیجیتال این امکان را در اختیار فیلمخانه‌ها قرار داده تا آسیب های وارد آمده به فیلم‌ها را مرمت و تا حد قابل توجهی برطرف کنند؛ فیلمخانه ملی ایران نیز تلاش کرده تا با تهیه تجهیزات لازم و دستیابی به دانش و فناوری روز دنیا در کنار جلب همکاری نیروی انسانی متخصص، با نجات هر چه بیشتر اسناد تصویری کشور و تهیه نسخه دیجیتال و سپس اصلاح و احیای رنگ و تصاویر از دست رفته‌شان و همچنین بهسازی صداهای نامطلوبشان، تجربه کم‌نظیری از دیدن نسخه تصویری احیا شده از این دست آثار تصویری سینمای ایران را برای سینماددوستان فراهم کند.

محمود دولت‌آبادی:

من یک رفیق شادخوی را از دست دادم

محمود دولت‌آبادی با بیان اینکه دکتر جواد مجابی یگانه بود، می‌گوید: من یک رفیق شادخوی و نومیدی‌شکن را از دست دادم.

این نویسنده پیشکسوت در پی درگذشت جواد مجابی، شاعر، نویسنده، نقاش و منتقد پیشکسوت ادبی و هنری، نوشته است: آنچه در این لحظه می‌توانم بگویم این است که من یک رفیق شادخوی و نومیدی‌شکن را از دست دادم و جامعه هنری- فرهنگی ما یک هوشمندی ظریف را.

برخی کسان هستند که ورای کوشش‌های ادبیاتی- هنری‌شان از یک مزیت ویژه نیز بر خوردارند و آن ذوق‌ورزی پایان‌ناپذیر و روحیه مدارا‌گرای در روابط انسانی و مناسبات دوستانه است، در این اندک شمار آدمیان دکتر جواد مجابی یگانه بود.

در نیم قرن و اندی شناسی، آشنایی و دوستی در حضر و سفر

به یاد نمی‌آورم که جواد موجب کمترین رنجشی شده باشد، او انسانی به ذات و منش حلیم و خوددار بود و البته غالبا لبخند بر لب به شما خوش‌آمد می گفت با آن جمله مصطلح خود که «چگونه‌اید شما». هم با چنین روحیه‌ای بود که چند باری بر انواع ناخوشی (اصطلاح خودش) چیره شده بود و از بیمارستان به خانه برگشته بود. این بار هم به خانه برگشت، دوستان پزشک هر آن کاری که لازم بود و می‌شد انجام دادند، اما دیگر نشد که سامان شود و آخرین بار که با پزشک رفتم به دیدارش دیگر آن جواد همیشه نبود و دانسته شد که می‌داند چه در پیش است. چاره ای نبود جز این که به نااستین بسیار کوشنده در نگهداشت جواد و نیز پویک که از آغاز به یاری مادر و خدمت پدر می‌بود رو کنم و بگویم باید بردبار باشیم، چه می‌توانستند انجام دهند که انجام نداده بودند؟

باری... به ایشان تسلیت می‌گویم و باز هم آرزوی صبوری دارم. حقیقت این که فنا ادامه‌ی بقای آدمی ست، البته به شگرد و شیوه‌ی خودش!

محمود دولت‌آبادی

پانزدهم شهریورماه ۱۴۰۵

جواد مجابی که بود؟

جواد مجابی، پیر ادبیات و هنرهای تجسمی ایران، روز گذشته در ۸۷ سالگی خاموش شد؛ مردی که تا واپسین روزهای حیات، حتی در بستر بیماری، قلم و قلمرو را زمین نگذاشت و با خلق آثاری درخشان در پهنه داستان، شعر، طنز و نقد بیش از ۶ دهه بر پیکره فرهنگ معاصر ایران نقش بست. جواد مجابی - شاعر، نویسنده، نقاش و منتقد هنری- ۱۴ شهریورماه پس از تحمل یک دوره بیماری از دنیا رفت، اما این هنرمند و روشنفکر چندوجهی که بود؟

***تولد یک انسان چندوجهی**

جواد مجابی در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد. او دوران تحصیل را در زادگاهش گذراند و از همان نوجوانی به ادبیات و نقاشی روی آورد. همزمانی علاقه او به کلمه و تصویر، شاید از او شخصیتی متفاوت ساخت؛ هم در وادی شعر طبع آزمایی کرد، هم رمان نوشت، هم طنزهای تیز و گزنده خلق کرد، هم نقدهای بنیادین بر هنر تجسمی نگاشت و هم خود پای بر جای نقاشان گذاشت.

***از رمان‌های ماندگار تا طنزپردازی**

او فعالیت حرفه‌ای خود را از اوایل دهه ۱۳۴۰ آغاز کرد. در سال ۱۳۴۴، اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «فصلی برای تو» منتشر کرد و خیلی زود به حلقه روشنفکران نزدیک به جریان‌های نوگرای ادبی پیوست. اما برخلاف بسیاری از همدوره‌ای‌هایش که تنها در یک حوزه متمرکز شدند، مجابی هیچ گاه خود را در یک قالب محصور نکرد و این ویژگی، او را به چهره‌ای کم‌نظیر در تاریخ فرهنگ معاصر ایران تبدیل کرد.

در حوزه داستان‌نویسی، مجابی با آثاری چون «شب ملخ»، «شهربندان»، «بنفشه‌های سراشیب»، «باغ گمشده» و «هومیایی» شناخته می‌شود. او در این رمان‌ها و داستان‌های بلند، با زبانی شاعرانه و ساختاری پیچیده، به واکاوی لایه‌های پنهان زندگی شهری و بحران هویت انسان معاصر پرداخت.

«شب ملخ» که یکی از مهم‌ترین آثار داستانی او محسوب می‌شود، با فضای سوررئال و روایتی چندلایه، هنوز هم از آثار شاخص ادبیات داستانی دهه شصت ایران به شمار می‌رود.

اما شاید بتوان گفت که مجابی در طنز، جایگاهی بی‌بدیل داشت. او با تکیه بر میراث کلاسیک ادبیات ایران، به‌ویژه عبید زاکانی، توانست طنزی مدرن و انتقادی خلق کند که در عین خنده‌آوری، تلخ و تکان‌دهنده نیز هست. مجموعه «عبید بازمی‌گردد» و «نیشخند ایرانی» از جمله آثار طنزی هستند که در آنها، او با زبانی هوشمندانه، ناهنجاری‌های روزگار خود را به باد نقد گرفت. مجابی معتقد بود که طنز، تیغ دو لبه‌ای است که اگر در دست هنرمندی چیره‌دست باشد، می‌تواند مؤثرترین سلاح برای تغییر نگرش جامعه باشد.

***نقد هنری و «نود سال نوآوری»**

اگرچه مجابی در شعر و داستان چهره‌ای شناخته‌شده بود، اما بی‌شک تأثیرگذارترین نقش او در عرصه نقد هنرهای تجسمی رقم خورد. کتاب دو جلدی «نود سال نوآوری در هنر تجسمی ایران» که حاصل سال‌ها تحقیق و کنکاش اوست، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین اسناد تاریخ هنر معاصر ایران محسوب می‌شود. وی در این اثر عظیم، با نگاهی موشکافانه و دانشی عمیق، جریان‌های مختلف نقاشی و مجسمه‌سازی ایران را از آغاز جنبش مدرن تا پایان قرن حاضر، مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

این کتاب، نه فقط یک منبع دانشگاهی، بلکه روایتی داستان‌گونه از کشمکش سنت و تجدد در هنر ایران است. مجابی در این اثر، با اعتراف به وابستگی‌ها و تأثیرپذیری‌ها، توانست تصویری شفاف از سیر تحولات هنر تجسمی کشور ترسیم کند که همچنان مرجع اصلی پژوهشگران و دانشجویان این حوزه است. همچنین «شناخت‌نامه احمد شاملو» و «شناخت‌نامه غلامحسین ساعدی» از دیگر آثار پژوهشی ارزشمند اوست که به معرفی و تحلیل کارنامه این دو چهره بزرگ ادبیات ایران پرداخته است.

***جواد مجابی؛ مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری**

فعالیت مطبوعاتی مجابی از سال ۱۳۴۷ در روزنامه اطلاعات آغاز شد و او تا سال ۱۳۵۸ به‌عنوان دبیر بخش فرهنگی این روزنامه فعالیت کرد. در آن دوران، صفحات فرهنگی اطلاعات یکی از تأثیرگذارترین بسترهای معرفی آثار جدید ادبی و هنری بود و مجابی با انتخاب‌های هوشمندانه خود، نقش مهمی در شناسائی نسل دوم شاعران و نویسندگان مدرن ایران ایفا کرد.

پس از انقلاب، همکاری خود را با مجلات شاخصی چون «فردوسی»، «جهان نو»، «خوشه»، «آدینه» و «دنیای سخن» ادامه داد و مدتی نیز سردبیری مجله «دنیای سخن» را بر عهده داشت. در دهه ۷۰ که فضای فرهنگی کشور دستخوش تغییرات فراوانی شد، مجابی با حضور در همین نشریات، از مشی انتقادی و روشنفکری خود دست برنداشت و همواره به‌عنوان یک منتقد مستقل و صاحب‌نظر شناخته می‌شد.

***جوایز و افتخارات**

مجابی در طول زندگی هنری خود جوایز متعددی دریافت کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به جایزه «فروغ» در سال ۱۳۵۴ برای فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، جایزه «بیژن جلالی» در سال ۱۳۸۲ در زمینه نقد ادبی و جایزه «آرش» جشنواره تیرگان در سال ۲۰۰۸ (تورنتو) اشاره کرد. هرچند او هرگز به‌دنبال کسب این جوایز نبود و آنها را تنها انگیزه‌ای برای ادامه مسیر دشوار نقد و خلاقیت می‌دانست.

***جواد مجابی و میراثی که کهنه نمی‌شود**

جواد مجابی با درگذشت خود، میراثی عظیم و چندلایه بر جای می‌گذارد که شامل ده‌ها جلد کتاب، صدها مقاله نقد، نقاشی‌های بدیع و از همه مهم‌تر، یک مکتب فکری است؛ مکتبی که بر ضرورت نگاه جامع به هنر، پرهیز از تک‌بعدی شدن و ایستادگی بر سر اصول نقد منصفانه تأکید دارد.

امروز، با خاموشی این هنرمند بزرگ، نفسش در میان کلمات و رنگ‌هایی که از خود به‌جا گذاشته، جاری است و نامش در تاریخ فرهنگی این سرزمین، برای همیشه ماندگار خواهد بود.

جشنواره «خُنکای شیراز»؛ بازگشت حیات و نشاط به قلب تپنده سبز قصردشت

جشنواره فرهنگی، ورزشی و گردشگری خُنکای شیراز با هدف احیا، معرفی و صیانت از باغ های قصردشت، از ۱۲ تا ۲۰ شهریور ماه در سایت نگارستان قصردشت در حال برگزاری است. این رویداد که با استقبال چشمگیر بیش از ۱۵۰۰ بازدیدکننده در دو روز نخست روبه‌رو شده، قرار است تا پایان ماه با پیش‌بینی بازدید ۸ هزار نفر، تجربه‌ای متفاوت از گردشگری شهری را رقم بزند.

علیرضا اسکندری عضو شورای شهر و دبیر جشنواره، اعلام کرد: این رویداد در ۶ محور اصلی «باغ و فرهنگ»، «باغ و زندگی»، «باغ و کودک»، «باغ و علم»، «باغ و ورزش» و «باغ و خرید» طراحی شده است. وی افزود: از اجرای زنده گروه‌های موسیقی مطرح (مانند گروه‌های چلبیا، دلکش و ارغوان) و نمایش‌های تئاتر و نقالی گرفته تا مسابقات ورزشی متنوع مثل والیبال ساحلی، تیر و کمان و مینی‌گلف، طیف وسیعی از مخاطبان را هدف قرار داده است.

اسکندری تاکید کرد: معرفی داشته‌ها و پتانسیل‌هایی فرهنگی و گردشگری باغ های شیراز توسط هنرمندان آن هم در قالب عکس و فیلم بی تردید تأثیر به سزایی در نحوه درست معرفی، نگهداری و حفاظت از این آثار ارزشمند خواهد داشت. رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و اقتصاد شورای شهر شیراز افزود: زمانی نه چندان دور، وسعت باغ‌های شیراز به بیش از ۳ هزار هکتار می‌رسید و دارای کوچه‌ها و گذرهای متعددی بوده است و با اینکه وسعت باغ‌ها نصف شده، اما همچنان گذرها و نامشان

ماندگار هستند برای نمونه این نام‌ها در کنار عکس‌ها در تابلوهای کوچه گالری دیده می‌شود.

***تلاش برای تبدیل قصردشت به قطب گردشگری طبیعی**

علی نیری، دبیر اجرایی جشنواره نیز با تاکید بر اهمیت صنعت گردشگری گفت: با برنامه‌ریزی اصولی، می‌توان قصردشت را به عنوان یک سایت گردشگری طبیعی در سطح جهانی معرفی کرد و این جشنواره با ۱۵ هدف راهبردی، از جمله معرفی فواید اکولوژیک باغ ها و کمک به اقتصاد خرد باغداران، در حال حرکت است، در کنار برنامه‌های شاد، جنبه‌های مدیریتی و حفاظتی نیز پررنگ است.

بیژن زارعی رئیس ناحیه ویژه باغات شهرداری شیراز با اشاره به شرایط کم آبی و لزوم رساندن آب مناسب و سالم به باغ‌های قصردشت گفت: هم اکنون تصفیه خانه جدید به طور آزمایشی فعالیت خود را آغاز کرده که طبق برنامه ریزی‌ها این تصفیه خانه تا یک ماه دیگر به چرخه آب رسانی باغات اضافه می‌شود.

وی ادامه داد: راه اندازی این تصفیه خانه برای باغ‌های قصردشت اقدامی ارزشمند است و برای حفظ این سرمایه‌های طبیعی و تاریخی شهر شیراز تأثیر به سزایی دارد. زارعی یادآور شد: باغ های شیراز نقش مؤثری در تلطیف هوا و ارتقای کیفیت محیط زیست شهر دارند و این باغ ها یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های طبیعی شیراز محسوب می‌شوند و مدیریت شهری در سال‌های اخیر برنامه‌های مختلفی را برای صیانت از آنها در دستور کار قرار داده است.

رئیس ناحیه ویژه باغات شهرداری شیراز در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه هم اکنون وسعت باغ ها در گروه یک، بیش از یکهزار هکتار است که ۳۰۰ هکتار آن توسط شهرداری شیراز تملک شده است؛ افزود: همچنین هرگونه ساخت‌وساز در گروه یک باغ های شیراز ممنوع است و با متخلفان با جدیت و مطابق قوانین موجود برخورد می‌شود.

جشنواره خنکای شیراز در سایه سار هزار باغ شیراز از ۱۲ تا ۲۰ شهریور ماه از ساعت ۱۶ تا ۲۱ در محل سایت گردشگری، فرهنگی و ورزشی نگارستان قصردشت واقع در کوچه ۱۲ شهید رمضانی در حال برگزاری است.

لالایی لری؛ میراثی که مادران زنده نگه داشتند

گاهی یک میراث فرهنگی نه در موزه نگهداری می‌شود و نه در مجموعه‌های شخصی، بلکه با صدای مادری ادامه پیدا می‌کند که کودکش را در آغوش گرفته و برای خواباندنش آواز می‌خواند. «لالایی محلی لُری» یکی از همین میراث‌های زنده و فرهنگ شفاهی است که در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملموس ایران ثبت شده است؛ آواهایی که در گذر نسل‌ها، زبان، موسیقی، احساسات و بخشی از جهان‌بینی قوم لر را با خود حمل کرده‌اند.

«لالایی» شاید در نگاه نخست تنها آوازی برای خواباندن کودک باشد، اما در فرهنگ‌های مختلف، بخشی از نخستین ارتباط کودک با زبان، موسیقی و فضای عاطفی خانواده به شمار می‌رود. پیش از آنکه کودک بتواند سخن بگوید، صدای مادر و آهنگ واژه‌هایی که برایش تکرار می‌شوند، نخستین تجربه‌های شنیداری او را شکل می‌دهند.

در میان مردم لر نیز لالایی تنها یک آواز ساده نیست؛ این نغمه‌ها در بستر زندگی روزمره شکل گرفته‌اند و از احساسات، دغدغه‌ها، آرزوها و تجربه‌های مادران و خانواده‌ها تأثیر پذیرفته‌اند، به همین دلیل، محتوای لالایی‌ها بازتابی از فرهنگ جامعه‌ای باشد که در آن شکل گرفته است. کارشناسان میراث فرهنگی ناملموس نیز بر همین ویژگی تأکید کرده و لالایی را زبان ارتباطی مادر و کودک در دوره‌ای دانسته‌اند که هنوز ارتباط کلامی میان آن‌ها شکل نگرفته است.

در این نغمه‌ها، مادر فقط کودک را به خواب دعوت نمی‌کند؛ با او حرف می‌زند. از آینده‌اش می‌گوید، برایش آرزو می‌کند، از زندگی خودش می‌گوید و گاهی دلتنگی‌هایش را در همان زمزمه‌ای که قرار است کودک را آرام کند، نجوا می‌کند. در یکی از نمونه‌های ثبت‌شده و نقل‌شده درباره لالایی‌های لری آمده است: «برنج قل می‌زنه با شیر میشون، لای لالایی / وای دلم جوش می‌زنه سی قوم و خویشون». در همین چند کلمه، بخشی از زندگی روستایی و عشایری، دامداری، خوراک و روابط خانوادگی کنار هم قرار گرفته است.

در نمونه‌های دیگر، مادر کودک را مانند نهالی می‌بیند که باید به بار بنشیند؛ تصویری که نشان می‌دهد طبیعت چگونه وارد زبان عاطفی لالایی شده است. در برخی دیگر نیز از پدر یا اعضای خانواده‌ای که دور از خانه‌اند سخن گفته می‌شود. حتی کوچ، سربازی، کار، دوری و انتظار هم می‌توانند موضوع این آوازها باشند.

همین مضمون‌ها است که باعث می‌شود لالایی را نتوان صرفاً یک قطعه موسیقی دانست. هر لالایی، بخشی از زمانه‌ای است که در آن خوانده شده است. اگر جامعه‌ای با کوچ زندگی کرده، رد کوچ در لالایی‌هایش دیده می‌شود. اگر کار و دامداری بخش مهمی از زندگی بوده، نشانه‌های آن به شعر راه پیدا کرده و اگر دلتنگی برای خانواده و خویشاوندان پررنگ بوده، همان احساس در نغمه مادر شنیده می‌شود. لالایی‌های لری از نظر مضمون یکدست نیستند؛ بخشی از آنها عاطفی و مادرانه‌اند، بخشی با طبیعت و زندگی روستایی گره خورده‌اند و بخشی نیز ردپای اسطوره، حماسه، کار، کوچ، دوری، مهر و عشق و روابط خویشاوندی را در خود دارند؛ همین تنوع، لالایی را به منبعی برای شناخت فرهنگ شفاهی مردم لر تبدیل می‌کند.

از سوی دیگر، زبان لری در این آوازها تنها وسیله بیان نیست؛ خود زبان بخشی از میراثی است که با لالایی به گوش نسل بعد می‌رسد. کودک، پیش از آنکه بسیاری از واژه‌های زبان مادری را بشناسد، آنها را در صدای مادر می‌شنود.

«لالایی محلی لُری» در سال ۱۴۰۴ به عنوان یکی از جلوه‌های فرهنگ شفاهی و موسیقایی مردم لر در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملموس ایران ثبت شد. عطا حسن‌پور، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان، هدف از این ثبت را پاسداشت و معرفی میراث فرهنگی ناملموس شهرها و روستاهای خطه لرستان و انتقال عناصر ارزشمند فرهنگ بومی به نسل‌های آینده عنوان کرده است.

شاید مهم‌ترین ویژگی لالایی همین باشد که برای خوانده‌شدن ساخته شده، نه برای ماندن در کتاب. تا وقتی مادری آن را به خاطر داشته باشد و برای کودکش زمزمه کند، این میراث همچنان زنده است، اما اگر زنجیره انتقال از مادر و مادربزرگ به نسل بعد قطع شود، بخشی از واژه‌ها، ملودی‌ها و خاطراتی که درون آن پنهان شده نیز از میان خواهد رفت.

لالایی لری، در نهایت، قصه مادری است که در تاریکی شب و گاه در دل روز کودک را آرام می‌کند، اما همزمان بخشی از جهان خودش را نیز برای او روایت می‌کند، جهانی از عشق، دلتنگی، طبیعت، کار، خانواده و آرزوهایی که قرار است همراه کودک به نسل بعد برسند.

یارمهربان

۱۰ هزار سال معماری ایرانی با خاک و خشت

۱۰هزار سال پیش ایرانیان خاک را کیمیا کردند؛ آنچه امروز در بسیاری از بافت‌های تاریخی منحصربه‌فرد ایران می‌بینیم، نتیجه این کیمیاگری است. حالا پس از سالیان دراز، در این روزهای پر فراز و نشیب، به کوشش رسول وطن‌دوست از پیشکسوتان حفاظت و مرمت آثار تاریخی و با همت پریسا عبدالهی مجموعه مقالاتی درباره خاک، خشت و معماری خاکی ایران در جلد سوم مجموعه کتاب‌های «درباره مرمت» به چاپ رسید.

این کتاب مجموعه مقالات کارشناسان و پژوهشگران عرصه مرمت و معماری است درباره «خاک، خشت، معماری خاکی» ایران. استفاده از مصالح خشتی در ایران بیش از ۱۰ هزار سال قدمت دارد و استفاده از آن به دلیل بومی بودن، اقتصادی بودن و تناسب با زیست‌بوم ایران است. معماری گلی، یا به تعبیری دیگر، خشتی یا خاکی، یکی از کهن‌ترین و پایدارترین شیوه‌های ساختمانی در ایران است. این معماری یکی از برجسته‌ترین نمودهای پیوند انسان با طبیعت است؛ معماری که با ساده‌ترین عناصر موجود در محیط- خاک، آب، کاه و نورخورشید- پدید آمده و طی هزاران سال در بسیاری از مناطق جهان، به‌ویژه در سرزمین‌های خشک و نیمه خشک، به حیات خود ادامه داده است. ایران، که به معنایی کهن‌ترین سرزمین جهان بوده و به بیان دیگر به قدمت تاریخ است. سرچشمه بروز بسیاری از فنون و هنرها بوده و در این بابت هم سرآمد است.این کتاب نه تنها پاسداشت این پدیده معماری کم‌نظیر در دنیاست، بلکه از منظرهای تاریخی، طبیعی، هنری، فلسفی و بررسی نمونه‌های برجسته در سراسر این سرزمین به آن پرداخته است.کتاب درباره مرمت جلد ۳، در قطع وزیری، جلد شومیز، ۶۵۲ صفحه از سوی انتشارات دادکین منتشر شده است.

کلاکت

«زیور» برگزیده تونسی‌ها

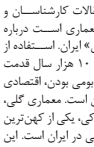

فیلم کوتاه «زیور» به کارگردانی صباح محمدی، جایزه بهترین فیلم کوتاه سی و نهمین دوره جشنواره فیفاک تونس را گرفت.

فیلم کوتاه «زیور» به نویسندگی و کارگردانی صباح محمدی و تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان ایران دفتر کردستان و صباح محمدی، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم کوتاه بخش بین‌الملل (جایزه شاهین طلایی) از سی و نهمین دوره جشنواره فیفاک تونس شد. جشنواره فیلم فیفاک در سال ۱۹۶۴ در تونس تأسیس شده است و به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های فیلم در این کشور و قاره آفریقا شناخته می‌شود. این جشنواره ۲۳ تا ۲۹ اوت ۲۰۲۶ (۱ تا ۷ شهریورماه ۱۴۰۵) برگزار شد.

یاسمن نصیری، تارا قبادی، عاطفه آزموده، فردین قادری، الهام بنی‌هاشم، امیر بهرامی، مریم بخشی و زینب بخشی در این فیلم کوتاه به ایفای نقش پرداخته‌اند و پخش بین‌الملل اثر بر عهده مداکتو پیکچرز است.

اتفاق

جسد بازیگر ترکیه‌ای در منزلش پیدا شد

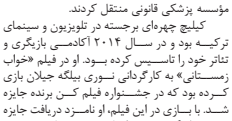

جسد سرهات مصطفی کیلیچ، بازیگر شناخته‌شده سینما و تلویزیون ترکیه، در سن ۵۱ سالگی در خانه خود در استانبول پیدا شد. جسد این بازیگر ۵۱ ساله در حالی که بی‌حرکت روی یک صندلی راحتی در اتاق نشیمن حضور داشت، توسط دوستش پیدا شد و تیم‌های پزشکی اعزام‌شده به محل، مرگ این بازیگر را تایید کردند.بررسی‌های اولیه هیچ نشانه‌ای از ضرب و جرح فیزیکی یا زخم‌های باز روی بدن او نشان نداد. مقامات برای تعیین علت دقیق مرگ، جسد او را به سردخانه مؤسسه پزشکی قانونی منتقل کردند.

کیلیچ چهره‌ای برجسته در تلویزیون و سینمای ترکیه بود و در سال ۲۰۱۴ آکادمی بازیگری و تئاتر خود را تاسیس کرده بود. او در فیلم «خواب زمستانی» به کارگردانی نوری بیلگه جیلان بازی کرده بود که در جشنواره فیلم کن برنده جایزه شد. با بازی در این فیلم، او نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در چهل و هفتمین دوره جوایز انجمن منتقدان فیلم ترکیه شد.کیلیچ همچنین به مدت شش فصل نقش ارگون را در کمدی تاریخی «سوز» به کارگردانی «سلیم» بازی کرد و در سریال نظامی «سوز» که نامزد دریافت جوایز بین‌المللی امی بود، به ایفای نقش پرداخت. او در فیلم «بودا» که بر اساس زندگی اولین رئیس جمهور ترکیه، مصطفی کمال آتاتورک، ساخته شده بود، نقش صالح بوزوک را ایفا کرده بود.او همچنین بازی در مجموعه فیلم های پلیسی «دایره جنایی» را نیز در کارنامه دارد.